

جمله در زبان دری

جمله چیست؟

جمله مجموعه است بهم پیوسته از کلمات که پیامی را بیان میکند. جمله دارای ارکان و اجزا است. ارکن جمله آن قسمت هائی هستند که اگر حذف گردند، ساختمان جمله از هم می پاشد. اجزای جمله آنها هستند که حذف شان به ساختمان جمله آسیبی نمی رسانند.

در تعریف دیگر از جمله گفته اند: جمله سخنی است که حداقل متشکل از دو جز اصلی باشند، نهاد و گزاره. در جملات احمد آمد یا هوا گرم است. "احمد" و "هو" به ترتیب نهاد اند و اما "آمد" و "گرم است" گزاره اند. نهاد را مسند الیه و گزاره را مسند نیز می گویند.

نحوه ی تشخیص نهاد و گزاره در جمله:

برای تشخیص نهاد در جمله می توان از جمله ی سؤالی چه کسی؟ یا چه چیزی؟ استفاده کرد چس از تشخیص نهاد بقیه ی جمله گزاره محسوب می شود.

مثال 1: ولی به مکتب میرود.

نهاد: ولی گزاره: به مکتب میرود

مثال 2: ما باید تاریخ گذشته و امروز خود را بشناسیم.

نهاد: ما گزاره: باید تاریخ گذشته و امروز خود را بشناسیم

جمله بطور کلی به دو دسته تقسیم میگردد: جمله کامل و جمله ناقص.

جمله کامل جمله را گویند که معنی کامل را بشنونده بیان نماید مانند "هوا آفتابی است"

جمله ناقص به جمله اطلاق میگردد که معنی کامل را به شنونده نمی رساند و شنونده با شنیدن آن منتظر است تا بقیه گفتار را بشنود مانند "اگر او نیامد"

جمله کامل نیز بدو نوع تقسیم میگردد: جمله کامل ساده و جمله کامل مرکب.

جمله کامل ساده از لحاظ ارکان به سه نوع تقسیم میگردد:

1- نهاد (مسندالیه یا فاعل) + فعل خاص: حمید آمد.

2- نهاد + مفعول و فعل خاص: احمد کتاب آورد.

3- نهاد + گزاره + فعل خاص: ناهید مهربان است.

جمله از لحاظ معنی به پنج نوع تقسیم میگردد:

- جمله خبری: جمله است که خبری – مثبت یا منفی- را بیان کند: پروین به مکتب رفت
- جمله التزامی: جمله التزامی به جمله ای می گویند که معمولاً فعل آن دارای وجه التزامی باشد و در موارد متفاوت بکار می رود.
 - تردید: شاید او بیاید.
 - شرط: اگر او بیاید ...
 - خواهش: کاش او بیاید.

- توصیه: عرض شود که ...
- 3- جمله امری: جمله ای است که انجام عملی را می‌خواهد و در آن مفهوم فرمان، دستور، خواهش، توصیه و نهی وجود داشته باشد مانند: از اینجا برو. آنجا ننشین.
- 4- جمله پرسشی: جمله ای که سؤالی را می‌پرسد مانند: آیا او آمده است؟ آیا او چنین میگفت؟
- 5- جمله تعجبی: جمله ای است که در معنی آن یکی از عواطف و احساسات انسانی مثل تعجب، تاسف، خوشنودی، آرزو، دعا، خشم، نفرت و تحسین وجود داشته باشد مانند: چه روز خوبی است! آفرین بر تو!

جمله از لحاظ نظم به دو نوع تقسیم میگردد:

- 1- جمله مستقیم: جمله ای که ارکان یا اجزای آن در جای خود قرار دارد مانند: مریم دیروز ما را به خانه خود دعوت کرد.
- 2- جمله غیرمستقیم: جمله ای است که نظم دستوری یک یا چند رکن یا جز آن به هم خورده است. شهر پر است از موترهای کهنه و نو.

جمله از لحاظ فعل به سه نوع تقسیم میگردد:

- 1- جمله فعلی: جمله که دارای فعل تام است مانند: آفتاب تابید.
- 2- جمله اسنادی: جمله ای که دارای فعل ربطی است مانند: نسرين باوقار است.
- 3- جمله بی فعل: جمله ای که ظاهراً فعل ندارد مانند چه هوای سرد!

جمله با فعل بدو نوع است:

- 1- جمله ساده: جمله ای که دارای یک فعل است مانند: پرویز آمد.
- 2- جمله مرکب: جمله ای که بیش از یک فعل دارد مانند: همینکه به مکتب رسیدم، زنگ مکتب بصدا درآمد.

جمله مرکب به دو نوع است:

- 1- جمله های مرکب که از ترکیب جمله های ساده کامل بدست می آید مانند: روشن است که با آمدن بهار طبیعت سرسبزی خود را باز می یابد و پرندگان دوباره برمیگردند.
- 2- جمله های مرکب که از ترکیب جمله های ناقص و کامل بوجود می آید. مثال: در دروس خود کوشا باش تا به نتایج مطلوب دست یابی.

جمله های مرکب به سه طریق از جملات ساده کامل درست میشود:

- 1- آوردن یک جمله ساده بجای یکی از ارکان یک جمله ساده اصلی یعنی بجای نهاد یا گزاره. مانند: بارها در دلم آمد تا به سرزمین دیگری نقل کنم. جمله ساده " که به سرزمین دیگری نقل کنم" جمله ساده بلند است که بجای فاعل یا نهاد جمله اصلی آمده است، یعنی نقل کردن به سرزمین دیگر بارها در دلم آمد. یا مثال دیگر: اثر عالی است که انسان را ارج میکند. جمله ساده کوتاه " که انسان را با ارج میکند" جمله ساده کوتاهی است که بجای گزاره یا مسند آمده است یعنی اثر عالی باعث ارجمندی انسان است.
- 2- آنکه جمله ساده بلند یا کوتاه، یکی از ارکان جمله ساده اصلی را تشریح کند و توضیح دهد. مانند مردی که رفت از دوستان من بود. جمله سادل کوتاه " که رفت" جمله ساده کوتاهی است که فاعل یا نهاد جمله اصلی یعنی "پسر" تشریح میکند. باید تذکر داد که به جمله اصلی اصطلاحاً جمله پایه، و به جمله ای که یکی از ارکان جمله اصلی را تشریح می کند و توضیح میدهد اصطلاحاً جمله پیرو می گویند.
- 3- آنکه دو یا چند جمله ساده، بوسیله حرف ربط، بهم مربوط شده باشند. اصطلاحاً به این حروف، حروف ربط همپایگی می گویند زیرا دو جمله همپایه و مثل هم را به یکدیگر مربوط میکنند مانند او سخی را دیده است و با او راجع به تو صحبت کرده است. که جمله ساده " با او راجع به تو صحبت کرده است" به وسیله حرف

ربط همپایگی "و" به جمله ساده " او تقی را دیروز دیده است" پیوسته و جمله مرکب نوع سوم را پدید آورده است. یا این مثال: یوسف هم به مکتب می‌رود و هم کار می‌کند. جمله ساده "کار می‌کند" به وسیله حرف ربط همپایگی "هم ... هم" به جمله ساده " یوسف به مکتب می‌رود" پیوسته و جمله مرکب نوع سوم را پدید آورده است.

پرسشها:

1- جمله چیست؟

2- نوع جملات زیر (از لحاظ معنی) را مشخص کنید

- شاید امروز باران بیارد
- درسهای تان را به دقت بخوانید
- ما باید به همدیگر احترام بگذاریم.
- دانش توانائی است.
- تا توانی می‌گریز از یار بد.
- ز گهواره تا گور دانش بجوی.

3 – اجزای خواسته شده را در جملات زیر تعیین کنید.

- شاگردان مکتب شما را می‌شناسند. نهاد کدام است؟
- همنشین نیک بهتر از تنهائی است. گزاره کدام است؟
- نوجوانی تولد دوباره ی انسان است. نهاد کدام است؟
- دل بی علم چشم بی نور است. گزاره کدام است؟

4 – از جملات زیر کامل و ناکامل را تشخیص دهید.

- دیروز هوا بسیار سرد بود.
- اگر فردا باران نیارد.
- دیروز حیبنیکه از قطار پیاده میشدم.
- توجه به محیط زیست یک نیاز جدی است.

5- جملات مرکب و ساده را تشخیص دهید.

- او آمده است ولی کتابها را با خودش نیاورده است.
- در نوروز شب و روز باهم برابر.
- باغی خریدم که چر از درختان میوه است.
- او باید به اینجا بیاید نه پروین.

یادداشت: در تهیه این مطلب از دستور زبان فارسی از دکتر محمد جواد شریعت استفاده شده است.